

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز سورن
۰۴ اپریل ۲۰۲۵

مهاجرت و کابوس دیپورت



در زمانه ای زندگی می کنیم که وقایع اطرافمان هر چند تلخ هستند و غمگینمان می کنند اما از آنها حیرت نمی کنیم. دیگر اشکی نمانده و نمی ریزیم و همه آنها گویا عادی شده اند. این که در غزه چه می گذرد و تا کنون دهها هزار کشته برجای گذاشته است و از نوار غزه جز ویرانه ای نمانده است. این که هزاران نفر در زلزله میانمار و تایلند جان داده اند و بسیاری زیر آوار مانده اند و این که در امریکا دیوانه ای از قفس پریده و تمامی مناسبات کنونی جهانی را به هم می ریزد و پیام راه اندازی جنگهایی چند را می دهد، قصد اخراج میلیونها مهاجر فقربزه را به کشورهای شان دارد. این که جنگ اوکراین هنوز قربانی می گیرد و یا فاشیسم و ناسیونالیسم در کشورهای غربی برآمدی جدید دارد، کم کم و به آرامی به موضوعاتی روزمره و عادی تبدیل می شوند.

پدیده مهاجرت اما با تاریخ بشریت گره خورده است. همیشه بوده است و تا زمانی که بی عدالتی و ستم و جنگ و نابودی هست می ماند. تا زمانی که ثروت به طرز ناعادلانه ای تقسیم می شود شاهد این پدیده دیرین خواهیم بود و اخبار مهاجرت های میلیونی هم کسی را از خواب نمی پراند. عادی شده است. آنقدر عادی شده است که میلیاردرها و

همان یکی دو درصدی که بیش از نیمی از ثروت جامعه انسانی را در دست دارند از پشت پرده ها بیرون می خزند و اهرم های حاکمیت سرمایه را در دست می گیرند. دنیای وارونه ما، وارونه تر می شود

پر واضح است که جابه جایی انسانی با بالاگرفتن بحرانهای سیاسی و اقتصادی تشدید شده است و به امواج مهاجرت های کنونی افزوده و حجیم تر شده است. تبعات آن بعضاً ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی را نیز به همراه داشته است و خود به ابزاری سیاسی در دستان احزاب تبدیل شده است. سالهاست که احزاب دست راستی با توسل به آن در اروپا تنومندتر می شوند و احزاب دیگر ریزش محسوس در صفوف حامیان خود را تجربه می کنند. به همین نسبت تشکلهای سازمانهای ان جی او و حقوق بشری تضعیف می شوند.

طیف میلیونی مهاجران در مسابقات و رقابتهای انتخاباتی دوره ای نقش بسیار مهم و گاه تعیین کننده ای را بر عهده دارند. نه به این عنوان که مستقیماً در انتخابات سهم دارند بلکه به عنوان پارامتری منفی در پروپاگانداهای سیاسی معرفی می شوند و بخش اعظم آنها حتی پس از سالها اقامت در این کشورها حق انتخاب ندارند. بخشی اجازه کار و پرداخت مالیات دارند ولی در سرنوشت خود سهم نیستند. تصویر منفی دستگاه تبلیغاتی حاکمان از مهاجران تا آنجا پیش رفته است که امروزه هر حزبی که با این طیف شدیدتر و غیرانسانی تر برخورد کند محبوبتر و قوی تر می شود.

حال آن که اغلب مهاجران و به ویژه کودکان و جوانان مهاجر با انبوهی از رویا و امید رنج راه پرسنگلاخ و خطرناک مهاجرت را به جان خریده اند تا به ناکجاآبادی برسند که امروزه تهاجم به حقوق انسانی و شناخته شده آنان مایه فخر و منافع حزبی است. پدر و مادرهایی که برای آینده فرزندانشان مهاجرت کرده اند از سوئی برای کار کردن با موانع قانونی و بوروکراسی غول پیکر کشور مقصد روبه رو هستند و از سوی دیگر در آمار بیکاران بزرگترین معضل بحرانهای اقتصادی این کشورها نمایش داده می شوند.

طبیعی است که تفاوتهای فرهنگی، مذهبی و عرفی با موج مهاجرت سالهای اخیر در کشورهای اروپایی پر رنگتر شده است. پرواضح است که اهداف سیاسی و مذهبی بخشی اندک از ناهنجاریهای اجتماعی را به این کشورها تحمیل کرده است. روشن بود که خلافت اسلامی سوریه همراه امواج مهاجرت و گریز مردم این کشور بسیاری از تروریستهای انتحاری خود را نیز لابه لای آنها جاسازی کرده است. پوشیده نبوده و نیست که بخش بزرگی از پناهجویان از افغانستان طالبانی هستند و مشتری پر و پاقرص مساجد جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف هستند. این نکته بر هیچ یک از سیاسیون اروپایی پنهان نبوده است اما امروزه بحث این بخش از پناهجویان نیست و کلیت این پدیده مورد هجوم تبلیغاتی قرار گرفته است.

به اساس آمارهای ارائه شده در سال ۲۰۲۳ نزدیک به یک میلیون پناهجو در اتحادیه اروپا ثبت شده اند. تردیدی نیست که حجم بالای مهاجرت به کشورهای اروپایی و نیازهای ضروری آنها به ویژه کودکان و زنان به لحاظ زیستی، اجتماعی و اقتصادی این کشورها را با وضعیت جدیدی مواجه کرده و بعضاً بحرانهایی موضعی به آنها تحمیل شده است اما هیچ یک از بحرانها قابل قیاس با سوذجوی کلان سرمایه داری بومی و جهانی و بهره جوئی های آنان از بحرانها از جمله بحران پناهجویی نیست.

عروج مجدد ناسیونالیسم و فاشیسم، هجوم سیاسی به طیف پناهجویان و مهاجران را سهل کرده است. استفاده ابزاری از بحران مهاجرت برای دستیابی به منافع سیاسی احزاب دست راستی افراطی است. امروزه و در فضای سیاسی حاکم بر کشورهای اروپایی همانند اتریش، هالند، المان، فرانسه، دنمارک و بسیاری دیگر از این کشورها اغلب احزاب مطرح در پرخاشگری به غیر بومی ها از یک دیگر سبقت می گیرند و در راندن و ارائه اشکال دیپورت آنها با یک دیگر رقابت می کنند. آنچه نادیده گرفته می شود همانا حقوق انسانی آنها و پایبندی به قوانین بین المللی ثبت شده است.

از فردای سقوط بشار اسد در سوریه تبلیغات ضد پناهنجی و برگرداندن مهاجران سوری در کشورهای اروپائی و به ویژه در اتریش و المان و دنمارک آغاز شد و این خود به ابزاری تبلیغاتی برای انتخابات آتی تبدیل شد. کودکان و زنان متقاضی پناهنجی بی شک در صف اول قربانیان این سیاست شوم قرار دارند. بی ثباتی، هراس و بی آیندگی دستاورد این بازی سیاسی خطرناک است. می توان درد غربت و دوگانگی، طولانی بودن روند رسیدگی به تقاضای پناهنجی و بلا تکلیفی، مشکلات زبان، موانع اشتغال و غیره را نیز به آنها افزود. بخش بزرگی از راهیان مهاجرت و پناهنجی به کشورهای اروپای غربی در آمارها حضور ندارند آن هزارانی که در مسیر پر مخاطره پیش روی خود جان دادند و بخشی در امواج سهمگین ابحار با انبوهی از امید و آرزو برای زندگی بهتر گم شدند. از زندگی بهتر همه گفته اند و نوشته اند حال آن که روند تحولات سیاسی پیش رو در شرایط کنونی همپای این گفته نیست.

بهر روز سورن

۰۲ اپریل ۲۰۲۵